

و اما در تکلیف عقلی و عقلی بالفعل قادر باشد بر اکثر معادلات نظریه خود
 هرگاه که خواسته عقلی کنی سبب جدید و عقلی است و فاعل عقلی محال است
 خود کند و این جمله را نیز بر این مطلق است بر نفس این مراد است
 و علی که محصور معلوم است نزد علی چنانچه علی با ما و صفات ما را از محصور می کند
 و اگر محمول صورت است نسبت نزد علی از حصولی که بینه حرکت کلیات و جزئیات
 نفس است لیکن صور کلیات و جزئیات مجزوه در ذات او مستقیم است و صور جزئیات
 مادی در ذات او و بعضی بر آنست که این صورت غیر معلوم است بحسب ثابت
 و اختلاف در وجود اصلی و وجود ظاهری و حضرت است بر نفس و مدنی و غیره
 اینست و بعضی بر آنست که اینست بر او بعضی ممکن است از
 نفسی وجودی است لیکن بر او از نفسی صورت عقلی است در فرقیوس صاحب این
 با آنکه نفس و صور محصور قابل است و اگر عقیده آنجا خواست غلط است هرگاه
 میان هر دو چیز که فرض کنی محال است و اولی در اشارة به شیخ ایچ کرده
 و در کتاب سدا و معادبان قابل شده و این شیخ مقول است که شیخ ایچ
 شیخ کرده و محاوره فیض الدین تلمیذی مقرر کرده است که شیخ در صدر کتاب
 و معادله فرموده که این کتاب را می تفریزی فرقیوس نوشتند و بعضی
 گفته اند بعضی صورت معلوم بر می آید و شکر کرده اند حصول صورت شی ایچ
 عقل حصول صورت نزدیک بر موم و فرقیوس میان اینست و شکر حصول
 صورت در اینست و محقق ترمذی قدس سره و گوید شیخ ایچ بر او توهمی از کتب
 مابقی تو هستی و اینست که کلیات است از کتب شیخ و در او فارسی تفسیر
 کلینی و بعضی در وقت عمل و محقق تفسیری و وقت تنواری و طبیعت که
 اعتدال است و در طرف که از اطراف و در طبیعت و اخلاق است و اما در کتب
 و اخلاق سید لطیف است که در این راه انصاف را بر او مقرر کرده و کان بین
 و اما لا یجوز که محال است الی تحقیق و لا یطهر کل البسط و اعتدال وقت عملی

حکمت و در طرفه از اول و در طرفه و جزیره و ولایت شش زاهد که در این یکی
 دارد هر چند که سوخت رنگ خامی دارد و فرمودی که خواب ارباب محال
 مهربان خدای که عامی دارد و اعتدال وقت تفسیری شیخ است و در طرفه
 سوز و جین شش هر که که حرف جامه و ساقه نشود است طبع او سوز نشود
 خوابی که چنانچه صفای مانی باید که کسی از او بگذرد نشود و اعتدال وقت محقق
 و در طرفه او مجز و محمود شش با چند رسیده جاه و شمت باشی و در هر دو
 حرص و شوق باشی خوابی که در هر دو وقت با گشتی باید که مفسر کوی حضرت
 باشی و مجمل این در فضیلت شرح شکر از امری متنو طبعه از انرا امر انرا
 بیدار شود و از اعمال خواننده و هر که استیقه که از شمت تیر و از بارگاه
 در نشاء انسانیه اخلاق حسنه است که هر که از آن حرف نشود و در اول و در اول
 که در روز خ اخلاق سیدی افتد و حکمی که ما اینجا ذکر کردیم فرقیوس است که مقوم
 بنظری و عملی شده و قال شیخ فی اعراض الشارح از سر نه الفعیال و غیره حکمت
 و شیخ است و محقق العالی و بی ناصیه عن الفعیالیه النظریه و من جمعت
 له معاجله الحکمه النظریه و قد سعد من فاضل مع ذلک باخواس النبویه کاتب
 را انسانیا و بیجا و ان خلی عبا و نه بعد امد و مو سلطان العالم الارضی و غیره
 اندر فی و تحقیق اجناس اخلاق و تفصیل انواع آن از اخلاق ماضیه و طلب
 فی از خراب انار که در سبب عیاب اطوار انسانی مدک می شود طبع موز
 و مناسب بجز با یکدیگر است که شرح جامه ماضیه است و اگر عیال آغاز باشد
 و ماضی انجام بجز بر جزئیات که چهار است فعل است و اگر کن آغاز باشد و ماضی انجام
 بجز بر جزئیات که چهار فعل است و علی مدالقیاس و این در او است اصول القیاس
 چه بود و ماضی ماضی است و در هر دو شیخ ایمان لغات است و در طرفه
 از همه اجزای آنکه جنین رنگ بر از نسبت بر ماضی است که با نسبت از
 اجمال نعم و از از منته مذکور و اول باصناعت تألیف که مینویسند عالم القیاس